

و یا این ازدواج را برخلاف صرفه و غبطه پسر و یا دختر سفیردستور رد تقاضی و بایگانی آن داده میشود و بالاخره موضوع رد و قبول تقاضای معافیت از شرط سن بطور قطع بسته بنظر وزارت دادگستری است.

از این جریانات معلوم شد که دولت وقت بویژه وزارت دادگستری نهایت مواظبت در حسن اجرای این موضوع داشته و دارد و کاملاً مراقب است که تا صلحت و نظر صوابی در بین نباشد معافیت سنی بکسی داده نشود و اگر فی الحقیقه حکمت و صلاحی هم وجود دارد کاملاً منظور گردد.

حال باید دید این اعطاء معافیت از سن مطلق است یا مقید؟ و آیا حد معینی دارد یا هرکسی که صلاحی در باره

او بنظر رسید این معافیت داده میشود ولو اینکه دارای هر سنی بوده باشد البته باید گفت مقید است نه مطلق و حد معینی دارد که در کمتر از آن حد بهیچوجه معافیت منظور نشده است و آن حد معین در پسر سن ۱۵ تمام و در دختر ۱۳ کامل است و هیچ پسری را که کمتر از ۱۵ تمام و دختر را که کمتر از ۱۳ کامل دارد اجازه ازدواج ولو با تقاضای معافیت از شرط سن هم باشد داده نمیشود چنانکه ذیل ماده مزبوره مصرح بر آن است.

در مقاله دیگر فرقه‌های قانون ازدواج سابق و لاحق مشروحاً بیان خواهد شد.

محمد بدیع تبریزی

## بحث در اطراف ماده ۱۴۲ قانون کیفر همگانی

و جزء ۴ ماده واحده متمم قانون دیوان کیفر

همچنین نمیتوان تردید کرد که مجازات انفصال ابد از خدمت دولت و تأدیه پنج برابر مال مورد ارتشاء که برای مرتشی تعیین گردیده از نقطه نظر قانونی اخف از مجازات حبس تأدیبی است که برای راشی تعیین شده.

درست است محرومیت از بعض حقوق اجتماعی که استخدام دولت یکی از آنهاست در ماده ۹ کیفر همگانی در عداد مجازات جنحه مهم احصا شده ولی توجه بدرجه بندی مجازات در همان ماده که حبس تأدیبی بیش از یکماه را در درجه اول و محرومیت از بعض حقوق اجتماعی را در درجه سوم قرار داده و آثاری که بر محکومیت های سالب آردی باراست نظر بالارا نباید میکند.

باتوجه باین دواصل مسلم که :

۱ - کیفر مرتشی باید از راشی سنگین تر باشد .

طبق ماده ۱۴۲ کیفر همگانی رشوه دهنده را که کارمند دولت باشد باید مانند رشوه خوار کیفر داد و چنانچه کارمند دولت نباشد کیفر دومه الی یکسال حبس تأدیبی یا پرداخت غرامت از یک هزار تا ده هزار ریال خواهد بود. جزء ۴ ماده واحده متمم قانون دیوان کیفر کارکنان دولت مصوب ۳۰ - ۸ - ۳۰۸ که ظاهراً برای احتراز از تراکم امور در دیوان کیفر و ارفاق با متهمین وضع گردیده کیفر رشوه خوار را چنانچه میزان رشوه کمتر از دوست ریال باشد انفصال ابد از خدمت دولت و تأدیه پنج برابر آنچه رشوه گرفته معین نموده و رسیدگی را بعهده دادگاههای اداری وزارت یا بنگاهی که مرتکب مستخدم آن است واگذار کرده.

در اینکه نظر قانون گذار این بوده رشوه خوار شدیدتر

از رشوه دهنده کیفر ببند شکی نیست

۲ - انفصال ابد از خدمت دولت و پرداخت ۵ برابر مال مورد ارتشا سبکتر از حبس تادیبی است.

باین نتیجه میرسیم که در ارتشا کمتر از دو بست ریال چنانچه راشی غیر مستخدم طبق قسمت اخیر ماده ۱۴۲ کیفر بیند و در باره رشوه خوار جزء ۴ ماده واحده متمم قانون دیوان کیفر اعمال گردد خلاف منظور قانونگذار است .  
زیرا قانونگذار میخواست رشوه خوار بیشتر کیفر بیند و عدالت هم همین اقتضای دارد و معکوساً عمل شده .

اشکال و تناقض دیگر در مواد نامبرده اینست که قانونگذار با وضع قسمت اول ماده ۱۴۲ خواسته است رشوه دهنده که کارمند دولت است بیشتر کیفر ببیند و بهمین لحاظ او را مجازات در حکم مرثی شناخته و در مورد کارمند دولتی که کمتر از دو بست ریال رشوه داده باشد رشوه دهنده که مستخدم دولت نیست تقض غرض حاصل میشود . باین معنی رشوه دهنده مستخدم کمتر از رشوه دهنده غیر مستخدم کیفر می بیند و در این مورد هم بخلاف منظور مقنن رفتار شده است .

رشا ولو اینکه میزان آن کمتر از دو بست ریال باشد بزه است و نمیتوان دایره استنباط را باین حد وسعت داد که چون جزء ۴ ماده واحده متمم قانون دیوان کیفر بر ماده ۱۴۲ وارد است و نظر قانونگذار هم این بوده کیفر راشی کمتر از مرثی باشد بنابراین در مورد ارتشا کمتر از دو بست ریال چون قانونگذار نسبت براشی تکلیفی معین نکرده و بسکوت گذرانده این سکوت را بفتح بزهار تفسیر و عمل رابزه ندانسته کیفری برای مرتکب قائل نشویم  
باین تفصیل ابهام و اشکال بحال خود باقی است .

در بادی امر ممکن است چنین بنظر رسد که چون در ماده ۱۴۲ کیفر راشی غیر مستخدم دو ماه الی یکسال حبس تادیبی یا تادیه بک هزار تا ده هزار ریال غرامت مقرر شده و دادرس مختار است یکی از این دو کیفر را تعیین نماید و غرامت اخذ از محکومیت بانفصال ابد از خدمت دولت و تادیه

پنج برابر مال مورد ارتشا است و در ماده ۹ قانون کیفر همگانی هم بوسیله قید غرامت در درجه چهارم این نظر تأیید گردیده با خودداری از محکوم نمودن بحبس و تعیین غرامت مشکل حل و منظور قانونگذار تأمین میشود .

ولی مختصر دقت و بررسی واضح میسازد که اینراه حل در تمام موارد قابل اعمال نیست و فقط بزهار یک مرتکب يك دفعه دادن رشوه کمتر از دو بست ریال شده میتواند از آن استفاده نماید .

در بعضی موارد دیگر از منظور قانونگذار بیشتر دور می افتیم و ب نتیجه میرسیم که بحال راشی خیلی گران تمام میشود باین شرح که ماده ۲ الحاقیه بآئین دادرسی کیفری مصوب ۲۶ - ۷ - ۳۱۱ در مورد تعدد بزه مقرر داشته که چنانچه فرد فرد اعمال ارتکابیه بزه باشد دادرسی برای هر يك حد اکثر کیفر مقرر را تعیین نماید و در مورد تخفیف هم ماده ۵۵ مکرر بدادرسی اجازه داده کیفر را بکمتر از حد اکثر تنزیل دهد بدون اینکه بتواند از حد اقل پائین بیاورد .

در اینصورت مثلاً چنانچه مستخدمی دو قلم یکی ۵۰ و دیگری ۱۰۰ ریال رشوه گیرد و ماده ۳ اصلاح آئین دادرسی کیفری و قانون کیفر همگانی مربوط بمستخدمین دولت مصوب ۱۸ - ۱۰ - ۱۷ هم درباره او قابل اعمال باشد در دادگاه اداری محکوم بپرداخت ۷۵۰ ریال نقد و انفصال ابد از خدمت دولت خواهد شد و حال آنکه رشوه دهنده غیر مستخدم اقل باید به دو ماه حبس تادیبی محکوم شود .

و چون راشی مستخدم مانند مرثی مجازات می بیند کیفر راشی غیر مستخدم از هر دو آنها سنگین تر میشود .

اگر باب فحص و مطالعه را بازتر کنیم و مواردی پیش آید که با قانون اصلاح مواد ۲۴ و ۲۵ قانون کیفر همگانی مصوب ۱۴ - ۲ - ۳۱۰ مواجه گردیم باشکال و تناقض فاحش تری برخورد خواهیم کرد باین معنی که جزو اول ماده ۲۵ اصلاحی مقرر داشته چنانچه بزهار يك سابقه محکومیت

حبس در باره او قابل نمی‌شوند.

این اشکال و تناقض از حدود رایش و مرتشی تجاوز و به‌معاونین آنها هم سرایت مینماید باین توضیح اگر با مرتشی معاونت شده باشد چون وضع جزء ۴ ماده واحده متمم قانون دیوان کیفر ارتشاء کمتر از دو بست ریال را از حدود دادگاههای جزائی خارج نموده معارن باید بدون کیفر ماند و چون بزبان منم نیست قبول این رویه خالی از اشکال است.

ولی چنانچه بارایشی معاونت کرده باشد مفهوم فرع زیاده بر اصل عرض اندام نموده و بخلاف اصول مسلم قضائی معارن کیفر دیده و قیود تکرار و تعدد بزه بگردن او افتاده در صورتیکه بزهارک اصلی که قانونگذار نظر داشته از رایش و معاونش بیشتر کیفر بینند کمتر مجازات دیده است.

بمقیده نگارنده این بحث بن بست و برای رفع اشکال و تناقض و نزدیک شدن بمنظور قانونگذار اگر دادرس نتواند از روح قانون استفاده نموده و رشوه دادن کمتر از دو بست ریال را بزه نداند راهی باز نیست جز آنکه مقنن خود باصلاح پردازد.

بنابراین نتیجه‌آنی حاصل از این بحث اینستکه برای نزدیک شدن بمنظور قانونگذار تا آخرین سرحد امکان نباید از ارفاق با کسانی که کمتر از دو بست ریال رشوه داده‌اند امتناع و خودداری نمود.

ح. امید

جنائی با جنحه داشته باشد کیفر او بیشتر از حداکثر کیفر زهری باشد که دفعه دوم مرتکب شده بدون اینکه از حد اکثر آن کیفر و بعلاوه نصف تجاوز کند مگر آنکه بزهارک مرتکب نظیر بزه سابق شده باشد که در این صورت کیفر بیش از حد اکثر کیفر بزه دوم خواهد بود بدون اینکه از دو برابر حد اکثر تجاوز کند.

در این صورت چنانچه مستخدم رشوه خواری که طبق جزو ۴ ماده واحده متمم قانون دیوان کیفر محکوم شده مثلاً مرتکب سرقت منطبق با قسمت اول ماده ۲۲۷ قانون کیفر همگانی شود چون بر مجازات اتصال ابد از خدمت دولت و نادیه پنج برابر مال مورد ارتشاء آثار جزائی با نیست و احکام تکرار بزه درباره او مصداق پیدا نمیکند حداقل کیفر او دو ماه زندانی خواهد بود که در مقام رعایت تخفیف طبق ماده ۴۵ میتوان کیفر را به ۸ روز تنزیل داد.

بالمکس رایشی که قانونگذار در نظر داشته کمتر از مرتشی کیفر بیند چنانچه مرتکب سرقتی نظیر سرقت مرتشی فرض شود سابقه محکومیت بحبس او مورد نظر واقع شده بیش از حد اکثر کیفر آن که دو سال میباشد محکوم خواهد شد.

و چنانچه موفق شود احساسات دادرس را بر له خود برانگیزاند و موجبات تخفیف فراهم باشد کمتر از دو سال و یکروز

## بازجویی مقدماتی دادستان در امور جزائی

(دادیار) یا معاون اداری خود تحقیقات لازمه را از قبیل تحقیق از منم و استعلام از مطلعین و شهود و بدست آوردن آلات و ادوات جرم و معاينه محل و غیره بعمل آورد.

اقدامات مزبور در این مورد موافق ترتیبی خواهد بود که برای تحقیقات مقدماتی در فصل پنجم باب اول قانون

برای جلوگیری از تراکم کارها در دوائر بازپرسی و تسریع گردش کارهای جزائی بموجب ماده ۴۰ قانون اصلاح محاکمات جزائی مصوبه دهم خرداد ماه ۱۳۱۱ در امور جنحه بطور کلی و در جنایات (تبه کاری ها) اگر جرم مشهود باشد دادستان میتواند شخصا یا بوسیله وکیل عمومی